

نانوایان و مدرسه‌سازی برای بلدیة

□ عباس جلالی



نیز شمرده می‌شد که اگر باسواد می‌شد، می‌توانست به دل‌سپردگان خود نامه‌های عاشقانه بنویسد و همین او را به ورطه‌ی فساد اخلاق می‌کشانید و یکی از پرسش‌های سند درست در همین جا رخ می‌نماید چرا مدرسه برای دختران، آن هم صنعتی و عجیب‌تر آن که در قزوین و نه پایتخت. باور توده‌ی مردم در پی تلقین برخی از خام‌اندیشان، آن بود که «سواد جوان را از دین بر می‌گرداند و اگر کسی جز کتاب قرآن از چیزی سر در آورد خلاف شریعت بوده نتیجه‌اش گمراهی است.» در روزگار قاجاریان، حکومتگران از آن بیم داشتند که مردم باسواد و فهمیده از آنان فرمان نبرند. هنگامی که امیر کبیر فرمان تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ق) را برای امضا، نزد ناصرالدین شاه (پاد ۱۲۶۴ - ۱۳۱۲ق) برد، شاه به او گفت «پس چه کسی حرف ما را گوش می‌کند؟!». آن چه از پیشینیان سلطان صاحب‌قران درباره‌ی دانش آموختن بجا مانده همانا بستن جاده‌ی درک و شعور، گشودن در جهل و خرافه، بریدن زبان، شکستن قلم و سوزاندن کتاب بوده‌است. به‌راستی سال ۱۳۰۷ چه رویدادهای ویژه‌ای را در خود داشته که به یکباره پای حاکم قزوین، لسان‌سپهر، وزیر دربار پهلوی، تیمورتاش، از وزارت داخله (کشور) حسین سمعی و ابراهیم ملک‌آرایی از وزارت معارف به این ماجرا کشیده شده‌است. بازتاب این دخالت‌ها در گام نخست افول شدید توان اجرایی بلدیة را نشان می‌دهد. با این همه بازتابی از فراگیری موجی را می‌توان دید که همگان را به سوی مسأله‌ی آموزش و بنیادهای آموزشی پیش می‌راند. نگاهی دوباره به تاریخ سند، ۱۳۰۷ ذهن را برای جستن ریشه‌های موافقت وزارت داخله (کشور)؛ چنین درخواستی، برمی‌انگیزد و بازگشتی به زمینه‌ها و رخدادهای تاریخی و فرهنگی آن سال را ضروری می‌نماید.

اینک در فروردین ماه سال ۱۳۰۷ ایستاده‌ایم. بلندپایگان ارتش، یاران دیرین رضاخان که او را در رسیدن به پادشاهی و برسر کار آمدن دودمان پهلوی همراهی کرده بودند، پاداش خود را دریافت می‌کنند و ترفیع درجه می‌گیرند. جایگاه‌های حساس هنوز در دست همین نظامیان است.

جستجو برای یافتن سندی مشترک میان شهرداری (بلدیة) و آموزش و پرورش (معارف و اوقاف) ما را بر پای سندی نشانده که به ظاهر چندان مهم نمی‌نمود، اما نگاهی به برگ‌های پیوست این سند چند پرسش را پیش نهاد. پیام سند بسیار ساده و کوتاه‌است، «ساختن مدرسه‌ی حرفه‌ای برای دختران در قزوین از درآمد نانوایان آن شهر» پرسش این بود که چرا قزوین و نه در تهران؟

این حرکت فرهنگی در شهری می‌توانست رخ دهد که زمینه‌های فرهنگی نیرومندی از گذشته در آن شکل گرفته باشد. پاسخ می‌توانست پایتختی قزوین در روزگاران گذشته باشد و پیشینه درخشان آن در جنبش مشروطیت «قزوین در/تغیاب مشروطیت، مهدی نور محمدی، (۱۳۸۲)، اما نگاهی به پیش‌زمینه سوادآموزی نشان می‌دهد که تاریخ این سند از اهمیت بسیار بیش‌تری برخوردار است تا چیزهای دیگر. آغاز سوادآموزی برای پسران و مردان با جنبش‌های اندیشگی و مشروطه خواهی همراه بود، اما تنها شماری از خواص و فرزندان بلندپایگان را در بر می‌گرفت. از آن روزگار آماري به دست نیست، حتی برای تهران پایتخت کشور. در نخستین آمارهای گرفته شده از تهران به سال ۱۳۰۱ - سرشماری بلدیة تهران - شمار بی سوادان برآورد نشده، اما در سرشماری ۱۳۱۰ در برابر ۱۹۶ هزار و ۲۵۵ نفر جمعیت تهران تنها ۳۱ هزار و ۱۹ نفر زن و مرد (آن هم تنها مسلمانان) باسواد بوده‌اند. این شمار باسوادان نیز هنگامی فراهم آمده که یک‌دهه از فرمانروایی رضاخان (۱۳۰۰ - ۱۳۳۰خ) گذشته. دودمانی که سرآغاز برنامه‌های سوادآموزی اجباری بود و راه‌اندازی مدرسه‌ی دولتی رایگان از ابتدایی تا متوسطه. اگر هرگونه آماري پیش از این می‌بود، نشان می‌داد که شمار باسوادان به زحمت $\frac{1}{100}$ جمعیت را در بر می‌گرفت، شاید بسیاری از وکیلان مجلس شورا و بخش بزرگی از بلندپایگان لشکری، بازرگانان یکسره بی سواد بودند نیاز به سوادآموزی حتی برای پسران احساس نمی‌شد، زیرا رسیدن پایگاه‌های بلند تحصیلی نیز کاری بیهوده می‌نمود. در این میانه سواد آموختن برای دختران و زنان نه تنها لازم نبود، بلکه جزو معایب و محرمات



ایران رشد یافتند و برخی نیز مقام شامخ علمی پیدا کردند که نام بعضی از آنها از این قرار است: دکتر عبدالحمید زنگنه (۱) - دکتر عزیزاله ملک اسمعیلی (۲) - حسین تقوی - دکتر مرتضی آزموده (۳) - دکتر کریم سنجابی (۴) - دکتر سیدعلی شایگان - دکتر لطفعلی صورتگر (۵) - مهندس غلامعلی فریور (۶) - مهندس عبداله ریاضی (۷) - دکتر جلال عقیلی - دکتر حسین سامی راد - مهندس مهدی بازرگان - مهندس احمد رضوی (۸) - مهندس احمدعلی ابتهاج - دکتر مصطفی حبیبی - خلیل ملکی (۹) - دکتر رضا رادمنش (۱۰) - دکتر ابراهیم ریاحی - مهندس احمد حامی - دکتر مهدی آذر - دکتر محمدعلی ملکی و دکتر نصرت اله باستان.

● (۱۹ مهرماه) پانزده نفر معلمین فرانسوی که توسط سفارت ایران در پاریس استخدام شده بودند وارد تهران شدند. ● (۳۰ مهرماه) آقای سید محمدعلی جمالزاده، سرپرست محصلین ایرانی در آلمان شد.

● (۲۹ آبان ماه) یحیی قراگوزلو، وزیر معارف کابینه‌ی مهدیقلی هدایت شد.

● (۱۵ آذرماه) کلاس قضایی امروز با حضور وزیر عدلیه افتتاح شد. وزیر عدلیه و عده‌ای از قضات عالی رتبه در این کلاس تدریس خواهند کرد. این کلاس ۷۳ محصل دارد.

● (۲۵ آذرماه) در کرج مدرسه‌ی عالی فلاح (= کشاورزی) تأسیس و شروع به کار کرد. چند متخصص خارجی در این مدرسه تدریس می‌کنند.

● (۱ دی ماه) کلاس ثبت اسناد در حضور وزیر عدلیه شروع به کار کرد محصلین این کلاس بالغ بر ۱۵۰ نفر می‌باشند. ● (۱۴ بهمن ماه) عده‌ای استاد برای مدرسه طب در پاریس استخدام شدند.

● (۱۹ بهمن ماه) کتابخانه‌ی بانک استقراضی روس مشتمل بر ۴۵۰۰ جلد کتاب به وزارت معارف اهدا گردید.

● (۲۶ اسفندماه) هیأت وزیران بر طبق قانون مصوبه مجلس شورای ملی که همه‌ساله ۱۰۰ نفر برای تحصیلات لازم به اروپا اعزام می‌شود؛ پیشنهاد وزارت معارف را برای اعزام ۱۰۰ محصل به اروپا در ۱۳۰۸ تصویب نمود. محصلین اعزامی طبق برنامه تنظیمی در ۱۶ رشته تحصیل خواهند نمود. ۳۵ نفر صرفاً علوم تعلیم و تربیت تحصیل خواهند کرد.

نگاهی به این همه رخداد آموزشی در نهادهای مختلف، کوشش همه سویه‌ای را نشان می‌دهد که رگه‌هایی از آن به شهرهایی که زمینه‌های آماده‌تری برای پذیرش تحول و دگرگونی داشتند، کشیده شده‌است.

بررسی سند

سند نخستین با عنوان «تخصیص عواید خبازخانه قزوین به تأسیس مدرسه‌ی صنعتی نسوان» پاسخی است که وزارت داخله به حاکم قزوین داده است. سندهای بعد پیوستی به این سند شمرده می‌شوند. از سند شماره‌ی ۸۶/۱ می‌توان دریافت که مدرسه ساخته شده و پرداخت پول از سوی صنف نانویان برای ساخت مدرسه، خواست حاکم قزوین بوده، اما جالب آنست که نانویان در هزینه‌ی مدرسه

وزارت راه و ترابری (فوائد عامه) را امیر لشکر عبداله طهماسبی برعهده دارد که در لرستان کشته می‌شود و بی درنگ امیری دیگر جای او را پر می‌کند، نظمیه (شهربانی) در دست سرتیپ محمد درگاهی است که بسیاری از وظایف بلدی را نیز خود انجام می‌دهد، نخستین آیین نامه‌ی راهنمایی و رانندگی را تهیه کرده و به مردم اعلام می‌کند، اما با این همه غیرنظامیان و سیاستگران که زمینه‌ی آرام‌تری را یافته‌اند کشور را به سوی ساختارهای نوین اجتماعی و فرهنگی می‌رانند، حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) از میان برداشته می‌شود و روز ۱۸ اردیبهشت ماه، نخستین قانون مدنی ایران در ۹۵۵ ماده زیر نظر علی اکبر داور، وزیر عدلیه (دادگستری) به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسد که یکی از مهم‌ترین قوانین کشوری است. نگاهی به روزشمار رخدادهای فرهنگی، زمینه‌ساز را بیش تر پرتو افکن خواهد شد.

● (۱ خرداد ماه) قانون اعزام محصل به خارج به تصویب می‌رسد. به موجب این قانون دولت همه‌ساله یکصد نفر محصل را به هزینه‌ی خود برای انجام تحصیلات عالی به اروپا اعزام خواهد نمود. ● (۳ تیرماه) دکتر ولی اله خان نصر مدیرکل وزارت معارف به ریاست مدرسه عالی طب و داروسازی و قابلیتگی (دانشکده پزشکی) منصوب گردید.

● (۱ شهریورماه) به دستور میرزا عیسی خان صدیق رئیس اداره تعلیمات عمومی، تشکیلات مدارس متوسطه تغییر یافت و دوره‌ی دوم متوسطه به سه رشته‌ی: علمی، ادبی و تجارتهی تقسیم گردید. ● (۱ شهریورماه) به حسین علا وزیر مختار ایران در پاریس دستور داده شد، تا پانزده نفر معلم برای مدارس متوسطه ایران استخدام نماید.

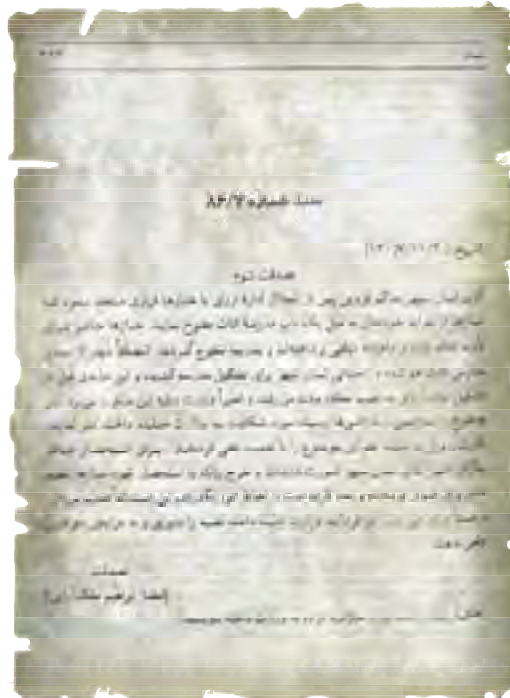
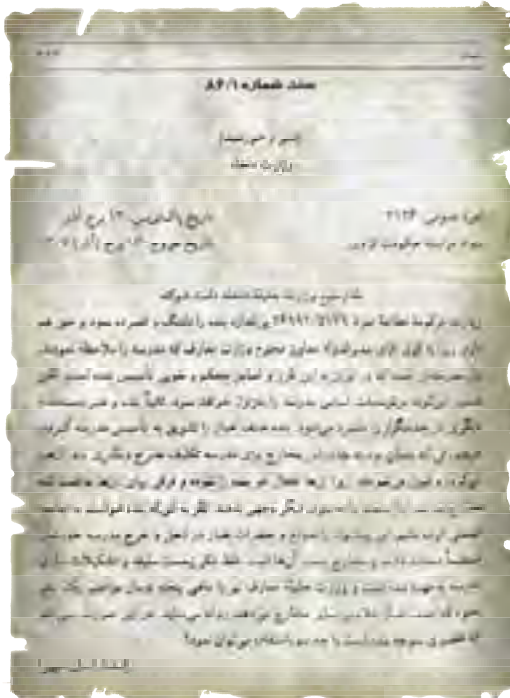
● (۴ شهریورماه) وزارت معارف اعلام کرد، از مهرماه ۱۳۰۷ تعداد مدارس متوسطه تهران غیر از دارالمعلمین عالی هشت باب می‌باشد و تعداد مدارس ابتدایی به ۳۰ باب افزایش یافته است. ● (۱۵ شهریورماه) ده نفر محصل از طرف وزارت فوائد عامه (راه و ترابری) برای تحصیل در راه آهن و ذوب آهن و معادن به پاریس اعزام شدند.

● (۱۷ شهریورماه) از امروز ساعات کار وزارتخانه‌ها به طریق ذیل می‌باشد؛ صبح‌ها از چهار ساعت به ظهر تا ظهر، عصرها از دو ساعت و نیم بعدازظهر تا پنج و نیم بعدازظهر.

● (۱۸ شهریورماه) وزارت معارف اعلام کرد به محصلین بی بضاعت دوره‌ی عالی ۱۲ تومان در ماه و به محصلین بی بضاعت دوره‌ی دوم متوسطه ۸ تومان در ماه کمک هزینه‌ی تحصیلی داده خواهد شد.

● (۸ مهرماه) آقای میرزا جلال‌الدین همایی از طرف وزارت معارف به سمت معلمی سیکل دوم متوسط تبریز منصوب شد.

● (۱۰ مهرماه) میرزا فرج اله خان بهرامی (دبیر اعظم) ریاست دفتر سابق شاه به سرپرستی محصلین ایران در اروپا تعیین شد. ● (۱۲ مهرماه) اولین دسته‌ی محصلین که تعداد آنها ۱۱۰ نفر بودند برای انجام تحصیلات عالی در رشته‌های مختلف به اروپا اعزام شدند. کلیه این محصلین از مدارس متوسطه ایران که تحصیلات آن مورد قبول دولت فرانسه بود دیپلم گرفته بودند. عده‌ی زیادی از این محصلین در عرصه‌های سیاسی



چون چرخ خیاطی، قالب جوراب و نخ جوراب و نقشه‌ی ممالک بیش تر از همه جلب توجه می‌نماید.

خودشان نظارت و دخالت داشته‌اند. چندان کمی گوید «مخارج دست‌آنهاست. فقط فکر، زحمت، سلیقه و تشکیلات اداری مدرسه» را حاکم عهده دار بوده است.

پانوشت:

- ۱) وزیر فرهنگ بود و رئیس دانشکده حقوق در ۱۳۳۰ ترور شد.
- ۲) معاون نخست وزیر، مصدق، در ۱۳۳۱.
- ۳) وزیر اقتصاد در دولت رژیم آرا ۱۳۲۹.
- ۴) رهبر جبهه ملی، وزیر امور خارج دولت موقت.
- ۵) شاعر و استاد دانشگاه تهران (۱۳۴۸-۱۲۷۹).
- ۶) نماینده مجلس شورا و فعال سیاسی از حزب ایران دهه ۲۰ و ۳۰.
- ۷) استاد دانشکده فنی، رئیس مجلس شورا، تیرباران شد (۱۳۵۷).
- ۸) عضو جبهه ملی و نایب رئیس مجلس (۱۳۳۲).
- ۹) کوشنده‌ی سیاسی و رهبر نیروی سوم (درگذشت ۱۳۴۸).

منبع:

- ۱- اسدی، بیژن. (۱۳۷۹). خنیاگان خاورمیانه. تهران مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. چاپ یکم.
- ۲- اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف. (۱۳۸۰). معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، تهران سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ یکم.
- ۳- شهری، جعفر. (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. ج ۱. تهران موسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ سوم.
- ۴- عاقلی، باقر. (۱۳۷۹). روزشمار تاریخ ایران. ج ۱ و ۲. تهران نشر گنتار. چاپ ششم.

